

## میراث فرهنگی به نسل جوان

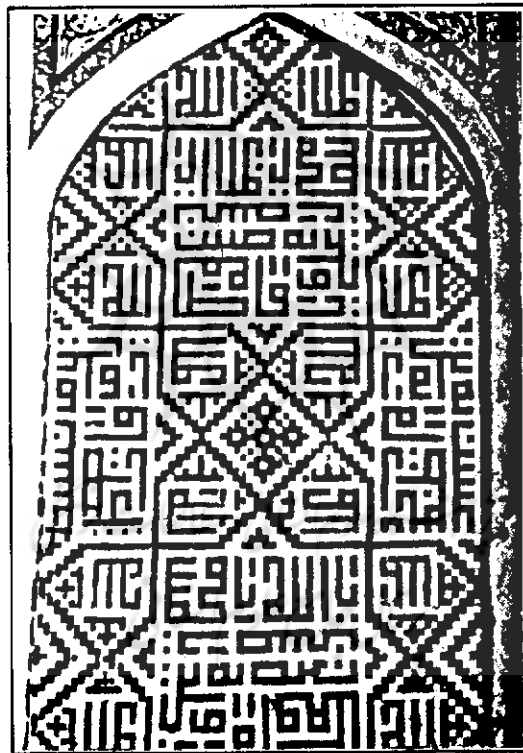
◆ دکتر غلامعلی سرمد

### مقدمه:

میراث فرهنگی هر جامعه از دو طریق به نسل جوان انتقال داده می‌شود که یکی از این دو طریق انواع آموزشهای غیررسمی و طریق دیگر نظام آموزش و پرورش رسمی است. بنابراین بررسی شیوه‌های انتقال میراث فرهنگی به نسل جوان، که گردانندگان جامعه فردا خواهند بود، به دو صورت امکان پذیر است. یعنی هم می‌توان شیوه‌های مختلف آموزش غیررسمی را مورد مطالعه قرارداد و معلوم داشت که این انتقال چگونه متحقق می‌شود و هم از طریق بررسی نظامهای رسمی تربیتی - از کودکستان تا دانشگاه - مشخص نمود که رسالت سازمانهای مزبور از لحاظ انتقال میراث فرهنگی و ارزشهای مقبول جامعه به نسل جوان چگونه است.

در مقاله حاضر شق اخیر مطرح شده و به منظور آنکه تصویر روشن‌تری از موضوع ارائه شود، تعدادی از کتب درسی مورد مطالعه قرار گرفته است. اما پیش از پرداختن به این موضوع، لازم است اشاره شود که میراث فرهنگی و ارزشهای تربیتی کنونی ایران از حوادث تاریخی متأثر بوده و به یک تعبیر دنباله جریانهای گذشته است.

از سوی دیگر، شایسته است ابتدا مفهوم فرهنگ و ارزشهای تربیتی معلوم گردد تا محتوای بحث به روشنی قابل ارائه باشد. در آثار تألیفی و ترجمه شده موجود به زبان فارسی برای فرهنگ تعاریف متعدد ارائه شده که به لحاظ رعایت اختصار فقط به بیان سه نمونه آن



پس از تسهیم روزی انسلسلاب  
اسلامی در سال ۱۳۵۷ء در  
نظام آموزشی نیز به تبع دیگر  
نظامهای اجتماعی تغییراتی  
حاصل شد که نتیجه‌ای از این  
تغییرات در ارزشهای تربیتی  
مربوطه می‌شود.

اکتفا می‌شود. فرد لوتانز در کتاب رفتار سازمانی فرهنگ را «دانش مکتب‌ای که انسان برای تعبیر و تفسیر تجربه و ایجاد رفتار اجتماعی مورد استفاده قرار می‌دهد» تعریف می‌کند و می‌افزاید که فرهنگ هم آنچه را انسان باید یاد بگیرد و هم نحوه رفتار او را تعیین می‌کند.<sup>۱</sup> جوزف راسک و رولندال. وارن در تعریف فرهنگ می‌گویند: «... فرهنگ به مفهوم فنی دقیق خودنه فقط شامل اشیاء و هنرهای مستظرفه است، بلکه هرگونه تغییری را که بشر در محیط خود پدید آورد دربرمی‌گیرد، از قبیل جشن، مراسم و آداب... احداث سد و شبکه توزیع برق، تابلوهای نقاشی، سمفونی، قصیده و غزل...»<sup>۲</sup> و بالاخره غلامحسین صدیق تعریف زیر را برای فرهنگ ارائه می‌دهد: فرهنگ عبارت است از مجموعه یا رشته به هم پیوسته‌ای از عناصر ذهنی و عینی که در جامعه‌ای جریان دارد مشتمل بر قواعد و دستورالعملها و معیارها یا ضوابط و عادات و سنتها و رفتارها و قوانین و اعتقادات و آداب و رسوم و اخلاق و آرمانها و ارزشها و فلسفه و هنر و علم، و کلیه وسایل و ابزار و تأسیسات و ساختمانها که مصنوع بشرند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و مانند دیگر امور اجتماعی به تدریج تحول می‌یابند، و به این ملاحظه فرهنگ را میراث اجتماعی خوانده‌اند.<sup>۳</sup> بنابراین، فرهنگ دو بعد مادی و غیر مادی دارد که در این مقاله هر دو بعد آن مورد نظر است.

معمولاً فرهنگ کلی هر جامعه به شعب و زیر مجموعه‌هایی به نام خرده فرهنگ یا فرهنگ گروهها و اقلیتهای آن جامعه (مانند خرده فرهنگهای لری، کردی، آذری، ترکمنی، ارمنی و نظایر آن در کشور ما) و فرهنگ خود و فرهنگ بیگانه (مانند آنچه به طرق و وسایل متعدد از خارج به فرهنگ خودی راه یافته و گاه زیر عنوان تداخل فرهنگی از آن نام می‌برند) تقسیم می‌شود که مجموعاً میراث فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهد.

از سوی دیگر، ارزشهای تربیتی یک جامعه عبارت از سلسله قواعد و ضوابط رفتاری چندی است که نسل مُسن‌تر یا تصمیم‌گیرندگان جامعه، یادگیری و رعایت آن را برای کودکان، نوجوانان و جوانان ضروری می‌دانند. خاستگاه این نوع ارزشها می‌تواند سنت اجتماعی یا رسم اجتماعی باشد، زیرا رسم اجتماعی را چنین تعریف کرده‌اند: «رسم اجتماعی رفتاری است که بر اثر تکرار فراوان و تشبیت کنشهای اجتماعی فراهم می‌آید و در اصل مفید فایده‌ای است... هر رسمی، دست کم در نخستین مراحل... وسیلهٔ رفع یک یا چند نیاز اجتماعی است.»<sup>۵</sup>

به این ترتیب، اولاً بین فرهنگ و ارزشهای تربیتی ارتباط متقابل و ناگسستگی وجود دارد. ثانیاً هر کودک از آن زمان که باید و نیاید به فرهنگ اجتماعی را می‌شناسد، به طور معمول سعی می‌کند خود را با آن تطبیق دهد تا فردی بهنجار و نیز عضو مفید و مؤثر جامعه شناخته شود، زیرا «تجاوز از مرزهای مقرر فرهنگی موجب نابهنجاری و کجروی و هرج و مرج می‌شود و زندگی را بر همگان دشوار می‌سازد.»<sup>۶</sup>

ثالثاً میراث فرهنگی ارزشهای تربیتی به پیروی از تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مرتباً دستخوش تغییر می‌شود و انطباق آن با نظام اجتماعی موجود مستلزم وجود سازمانهای مسئولی است که نهادهای آموزشی در رأس این سازمانها قرار دارند. لهذا، سازمانهای آموزشی مأموریت دارند در کنار نهادهایی که به صورت غیر رسمی فرهنگ و ارزشهای تربیتی را انتقال می‌دهند، قسمتهای مهم و اساسی این دو مقوله را به نسل جوان بیاموزند.

## ● نگاهی گذرا به انتقال میراث فرهنگی در طول تاریخ

دربارهٔ ادوار پیش از تاریخ اطلاعات متون در دست نیست تا بتوان گفت که در این دوره‌ها کدام ارزشهای تربیتی در ایران رایج بوده، اما اگر بپذیریم که آنچه در شاهنامه آمده منعکس‌کنندهٔ این ادوار بوده و ساختهٔ ذهن فردی مسلمان نیست، ارزشهای تربیتی دوره‌های پیش از تاریخ را باید موارد زیر دانست: دانش پژوهی، سخنوری و خوب سخن گفتن، نام نیک از خود به یادگار گذاشتن، پیشه و هنر و ضرورت تقسیم کار، راستی و درستی و نیکی و دادگری، گرامیداشت فرزندان،



«بین ارزشهای تربیتی ادوار مختلف از لحاظ عنوان با موضوع، و ادامهٔ آن از یک دوره به دوره یا دوره‌های دیگر، تفاوت‌های چشمگیری ملاحظه می‌شود.»

رعایت کودکان، مذمت آزمندی و لزوم قناعت، وطن دوستی، ضرورت انتخاب دوست و همنشین خوب، امانتداری، اجتناب از تنبلی و بیکاری، وفای به عهد، صبر و بردباری، مردی و مردانگی، جدی‌نگرفتن دنیای ناپایدار و تسلیم شدن به سرنوشت.

دورهٔ باستان از حکومت مادی شروع می‌شود و تا انقراض ساسانیان، یعنی حدود ۱۳۵۰ سال ادامه دارد. در این دوره — به استثنای معدود سالهای حکومت سلوکیان غیر ایرانی — ارزشهای تربیتی ایران عبارت بود از سختکوشی و جدیت برای مبارزه با طبیعت و ادامهٔ حیات، در نتیجهٔ پرورش روح و جسم به عنوان دو عامل تحقق این مبارزه، احترام به رهبران و مقامهای دینی و کشوری، سازندگی جامعه، رعایت قوانین و مقررات، نظم و تربیت، نظافت، عفو و اغماض مغلوبین و زیر دستان، صنعتگری و پیشه و هنر، زراعت و دامداری و باغداری، جنگاوری و استفاده از سلاح برای دفاع و جنگ، نقاشی و مجسمه‌سازی و معماری، درستکاری و عدالت و صداقت، حق شناسی، گذشت و فداکاری، وطن دوستی، مهمان نوازی، رعایت احترام بزرگترها مخصوصاً پدر و مادرمعلم، مراعات کودکان و التفات ویژه به تعلیم و تربیت آنان، عدم تسلیم در برابر زورمندان.

\*\*\*

پس از فتح ایران توسط نیروهای مسلمان در سال ۳۱ هجری قمری، اکثر ارزشهای تربیتی ایرانیان نیز به تبع دیگر مظاهر زندگی مادی و معنوی آنان دگرگون شد و ارزشهای تربیتی اسلامی جای آن را گرفت. این ارزشها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد: ایجاد خلق و خوی انسانی — اسلامی از طریق «پاک ساختن و شستوشی اندیشه... از آلودگیها و ناپاکیها»<sup>۷</sup>، مقدم شمردن تزکیه بر تعلیم<sup>۸</sup>، ضرورت استمرار تعلیم و تربیت از تولد تا وفات<sup>۹</sup>، برابری افراد متعلق به قبایل و نژادها و صاحبان رنگها و ملیتهای مختلف، تربیت ذهنی و جسمی برای ایجاد تعادل بین این دو بعد حیات انسان، وحدت اجتماعی، آزاد

اندیشی و پرورش نیروی تفکر، مبارزه با استبداد و استعمار، رعایت والدین و معلمان و دانشمندان، تربیت معلم شایسته، رعایت فرزندان و ضرورت تأمین امکانات تربیتی آنان توسط والدین و جامعه، مشورت با دیگران و استفاده از نظرات سازنده آنان، عبرت‌آموزی از حوادث، آینده‌نگری، تکیه معلم بر دو جنبه آموزش‌نظری و عملی و اجتناب از ترساندن شاگردان، و توجه به تفاوت‌های فردی کودکان در امر تعلیم و تربیت، زیرا همان‌طور که افراد از لحاظ محیط‌هایی که در آن پرورش می‌یابند با هم فرق دارند، در موهبت‌ها و استعدادها و لیاقت‌ها نیز به یکدیگر... تفاوت دارند.<sup>۱</sup>»

\*\*\*

از تشکیل حکومت صفوی تا تأسیس دارالفنون (۹۰۷ تا ۱۲۶۸ ه.ق) تقریباً کلیه ارزش‌های تربیتی اسلامی رواج داشت، اما چند ویژگی جدید نیز به آن افزوده شده که اهم آنها عبارت است از رواج مذهب تشیع و در نتیجه تعلیمات خاص این مکتب فکری، رواج کتب عربی و حاشیه‌نویسی بر کتب سابق، تأثیر پذیری آموزش و پرورش و فرهنگ ایران از فرهنگ مغرب زمین و اعزام محصل و دانشجو به خارج از سال ۱۲۲۶ ه.ق به بعد، سختگیری و تنبیه بدنی در مراکز آموزشی، التفات به هنر و معماری و نقاشی و کاشی‌سازی و تذهیب و خطاطی، و اسلحه و مهمات‌سازی با رواج صنایع نظامی.

در ادوار معاصر، یعنی بعد از تأسیس دارالفنون تا سال ۱۳۵۷ ه.ش. ترکیبی از ارزش‌های تربیتی و میراث فرهنگی دوره‌های قبل متداول بود. اما تغییرات متعدد دیگری نیز در این زمینه حادث شد که مهمترین آنها عبارتند از: توجه بیشتر به اقتباس از نظام‌های تربیتی بیگانه مخصوصاً اروپا و آمریکای شمالی، توسعه تدریجی تعلیم و تربیت جدید و رشته‌های مختلف آن که طبعاً کاهش فعالیت مراکز سنتی تعلیم و تربیت را به دنبال داشت، تدریس زبان‌های خارجی ابتدا در نظام آموزش و پرورش جدید و سپس در برخی از مراکز علوم دینی، توسعه صنایع متعدد چه به صورت مستقل و چه وابسته و تربیت نیروی انسانی برای آن،

باز شدن پای دختران جوان به مراکز آموزشی ابتدایی تا عالی، التفات بیشتر به تربیت معلم از طریق تأسیس دانشگاه‌های ویژه یا گنجاندن رشته‌های دبیری در دانشگاه‌های جامعه، و ایجاد ساختمان برای مراکز آموزشی از ابتدایی تا عالی.

## • ارزش‌های تربیتی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در نظام آموزشی نیز به تبع دیگر نظام‌های اجتماعی تغییراتی حاصل شد که تعدادی از این تغییرات به ارزش‌های تربیتی مربوط می‌شود. بی شک مطالعه کلیه زمینه‌های عرضة این ارزش‌ها مستلزم وقت فراوان و



✦ **خداشناسی و اخلاق انسانی**  
**مبتنی بر آن مهمترین و**  
**گسترده‌ترین ارزش تربیتی**  
**است که علاوه بر کتب**  
**تعلیمات دینی، قرآن**  
**صحبگاهی و آموزش قرآن مجید**  
**در کلیه کتب درسی به آن بارها**  
**اشاره شده است.**

بررسیهای گسترده و مستقل است. لهذا، برای سهولت امر کتب درسی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی سال ۱۳۷۰ مرود مطالعه قرار گرفت و در آن ۲۶ محبت مرتبط با ارزش‌های تربیتی شناسایی شد که خلاصه ده نمونه از این ارزش‌ها به شرح زیر است:

۱ - خداشناسی و اخلاق انسانی مبتنی بر آن مهمترین و گسترده‌ترین ارزش تربیتی است که علاوه بر کتب تعلیمات دینی، قرآن صحبگاهی و آموزش قرآن مجید در کلیه کتب درسی به آن بارها اشاره شده است. هرچند به دلیل زمینه موضوعی در کتب فارسی، تعلیمات اجتماعی، عربی، و تاریخ بیش از کتابهای دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

۲ - عبرت‌آموزی از حوادث، از جمله شرح حال بزرگان دین و علم اعم از ایرانی و غیر ایرانی، در اکثر کتب درسی مورد توجه قرار گرفته است. برای این منظور، نه فقط در کتب تعلیمات دینی و پیش از اسلامی و تاریخ و فارسی سرگذشت حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار درج شده، بلکه در دیگر کتابها نیز به این مقوله پرداخته‌اند. به علاوه، سرگذشت اشخاص صاحب نام غیر مذهبی نیز جایگاه خاصی در کتب درسی دارد. برای مثال در کتاب فارسی سال پنجم ابتدایی، در صفحات ۱۸۷ - ۱۸۱ زندگی توماس ادیسون، صفحات ۱۹۱ - ۱۹۰ شرح حال و اقدامات جابرین حیان و صفحات ۱۹۸ - ۱۹۵ زندگی حضرت نوح (ع) تشریح شده است.

۳ - اهمیت کشاورزی و توجه به طبیعت و استفاده از مواهب آن یک ارزش تربیتی است که در اکثر کتب درسی مورد توجه قرار گرفته است. در این مقوله، نه فقط کشاورزی و دامداری و باغبانی و ضرورت و نقش آن در زندگی، بلکه عبرت‌آموزی از مناظر و جلوه‌های پارک، مزرعه، گل، درخت، سبزه و گله‌های دام و منابع طبیعی نیز تصریح شده و گاه و بیگاه شاگردان به طور ضمنی به مصداق «فاعتبروا یا اولوالابصار» دعوت شده‌اند تا از این طریق نیز به خداشناسی سوق داده شوند. اما به طور کلی، تأکید اصلی همان نقش و اهمیت منابع طبیعی است. برای مثال در صفحه ۵۵

کتاب فارسی سال چهارم ابتدایی آمده است: «درخت هوای سالم و روح افزایشی برای ما به وجود می آورد.»

۴ - آینده‌نگری، اندیشه درباره آینده، کنجکاوی و تعمق، برنامه‌ریزی و احساس مسؤلیت نسبت به فردا، سازندگی جامعه، پس انداز برای بهزیستی، و عاقبت اندیشی از جمله ارزشهای تربیتی است که در کتابهای درسی مطرح شده است. مثلاً در صفحه ۹ کتاب تعلیمات دینی سال دوم ابتدایی آمده است: «آفرین بر شما که... همیشه درباره چیزهایی که می بینید، فکر می کنید.»

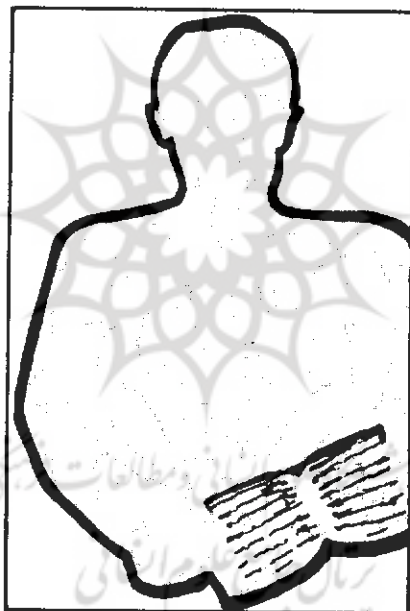
۵ - خوشرفناری، نیکوکاری، دوستی، رفاقت، و اهمیت برخورداری از دوست خوب و مضار همنشینی یا بدان به عنوان یک ارزش مهم تربیتی مطرح شده است. مثلاً در صفحه ۷۰ کتاب تعلیمات دینی سال پنجم ابتدایی می خوانیم: «دوستان مورد اعتماد برای یکدیگر اندوخته ای ارزشمندند.»

۶ - تعاون، همکاری با دیگران، کمک به درماندگان، رعایت همسایگان، همدردی، همدلی، اتفاق، و خدمت به خلق یکی از ارزشهای تربیتی مورد تأکید کتب درسی است. این ارزشها عمدتاً در کتابهای فارسی، تعلیمات دینی و تعلیمات اجتماعی مطرح شده، زیرا کتب دیگر کمتر جای پرداختن به آن بوده است. به عنوان مثال در کتاب فارسی سال پنجم ابتدایی، صفحه ۳۳، آمده است: «آموزگاری شغلی است که در آن بهتری توان به اجتماع و مردم خدمت کرد.» مثال دیگر، کتاب آموزش هنر سال سوم راهنمایی تحصیلی، صفحه ۶۷ است: «کار دسته جمعی اشخاص، موضوع خوبی برای نقاشی است.»

۷ - احترام و رعایت والدین توسط فرزندان، نقش والدین در زندگی، ضرورت خشنودی آنان از فرزندان، و نقش و مقام خانواده در جامعه از نکاتی است که تقریباً در کلیه کتب درسی مطرح شده است، هر چند به تبع محتوای کتابها در کتب نظیر تعلیمات اجتماعی، تعلیمات دینی و فارسی پیش از جاهای دیگر به آن پرداخته اند. همچنین، حجم مطالبی که به این موضوع اختصاص داده شده،

در دوره راهنمایی تحصیلی از دوره ابتدایی بیشتر است. برای نمونه در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول راهنمایی تحصیلی صفحه ۱۳، آمده است: «ما با انجام... کار... به پدر و مادر... ثابت می کنیم که آنها را دوست داریم.»<sup>۱۲</sup>

۸ - رعایت حقوق دیگران اعم از اشخاص حقیقی (مانند معلم، برادر و خواهر و بیه طور کلی دیگران) و حقوقی در دوره ابتدایی بیش از راهنمایی تحصیلی مطرح و بر آن تأکید شده که امری طبیعی است، زیرا عنوان کردن چنین مباحثی در مقطع ابتدایی موجه تر است. در عین حال، در کتابهای دوره راهنمایی تحصیلی نیز اشارات مربوطه به آن قابل ملاحظه است. مثلاً در کتاب تعلیمات



**\* آینده‌نگری، اندیشه درباره آینده، کنجکاوی و تعمق، برنامه‌ریزی و احساس مسؤلیت نسبت به فردا، سازندگی جامعه، پس انداز برای بهزیستی، و عاقبت اندیشی از جمله ارزشهای تربیتی است که در کتابهای درسی مطرح شده است.**

اجتماعی سال اول راهنمایی تحصیلی می خوانیم: «به نظر شما اگر گروهها بدون پیروی از مقررات گروه به فعالیت بپردازند، آیا باز هم موفق خواهند بود؟»

۹ - مدرسه و تحصیل علم و اهمیت علم و عمل و نقش معلم از جمله موضوعاتی است که در کلیه کتب مورد بررسی به عنوان یک ارزش والای تربیتی عنوان شده است. در واقع، نه فقط در کتابهای نظیر فارسی، تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و تاریخ، بلکه حتی در کتب ریاضی و علوم و جغرافیا نیز به آن بارها اشاره شده و از جمله روی جلد هر کتاب «تعلیم و تعلم عبادت است، چاپ شده است.»<sup>۱۳</sup> برای مثال در کتاب فارسی سال سوم راهنمایی تحصیلی، صفحه ۲۰ آمده است: «هر سری که او را خرد نیست، همچون چشمه ای است که او را آب نیست.» که ظاهراً در اینجا و جاهای مشابه، (خرد) به معنای (دانش) به کار رفته است. مثال دیگر صفحه ۵۹ کتاب تعلیمات دینی سال پنجم ابتدایی است: «دختران و زنان آزاده... در نهضت سواد آموزی... شرکت می کنند.»

۱۰ - رعایت اعتدال، صرفه جویی و اجتناب از اسراف، میانه روی، پرهیز از ستمگری و رعایت عدالت یک ارزش دیگر تربیتی است که به فراوانی عنوان شده است. مثلاً در صفحه ۱۲ قرآن صبحگاهی، ضمیمه تعلیمات دینی سال پنجم ابتدایی می خوانیم: «اسراف و زیاده روی در هر کاری ناپسند است...» مثال دیگر از صفحه ۸۳ کتاب آموزش قرآن مجید، سال دوم راهنمایی تحصیلی: «خدایوند متعال میانه روی در کارها را دوست دارد.»

دیگر ارزشهای تربیتی جمهوری اسلامی ایران در کتب درسی مورد مطالعه چنین است: ورزش و بازی، کار و پیشه، کتاب و کتابخانه، نظافت و بهداشت، تغذیه و تندرستی، ادب و نزاکت و سبیل ارتباط جمعی، میهن دوستی، رعایت فرزند و لزوم تربیت او، فصول سال و رابطه آن با شناخت محیط،

جانورشناسی، گذشت و بیخشنندگی، مسافرت، کوشش و بردباری، امانتداری، مشورت با دیگران. به علاوه، پرهیز از دروغگویی و دزدی و بد زبانی و حسادت، رعایت سحر خیزی، دستگیری ایتم و مساکین، توجه به تفاوت‌های فردی کودکان، استفاده از ضرب‌المثل برای تنبیه، ضرورت خودشناسی، و اهمیت هنر در زندگی فردی و جمعی از جمله ارزش‌هایی است که به اندازه ۲۶ ارزش یاد شده مورد توجه قرار نگرفته، اما به طور نسی به آن التفات شده است.

### ● نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به احکام کلی زیر دست یافت:

۱- در هر یک از ادوار تاریخی ایران نکات خاصی به عنوان ارزش‌های تربیتی مورد نظر بوده که وضعیت اجتماعی - اقتصادی - سیاسی زمان را منعکس می‌سازد. طبعاً هر گروه از این ارزش‌ها برای جامعه مورد نظر و در جای خود مهم و قابل توجه بوده است.

۲- در هر دوره تاریخی بدان دلیل بر ارزش‌های خاصی تأکید شده که می‌خواسته‌اند به کمک این ارزش‌ها حکومت و دولت و نظم اجتماعی را پایدار سازند. بنابراین، نمی‌توان به صورتی غیر از این به ارزش‌های تربیتی هیچ دوره‌ای نگاه کرد، زیرا ارزش تربیتی عبارت از چیزی است که اولیای امور جامعه در لباس سیاستگذار آموزشی آن را تأیید می‌کنند.

به بیان دیگر، در هر جامعه «اساس رفتار خوب، قبول ارزش‌هایی است که با فرهنگ سازگارند.»<sup>۱۴</sup>

۳- بین ارزش‌های تربیتی هر دوره یا ادوار قبل و بعد و وجه مشترک قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به همین دلیل، در بررسی یاد شده و نیز در مقالة حاضر از این وجه اشتراک زیر عنوان «میراث فرهنگی» یاد شده است. با این همه، مفاهیم مستتر در ورای کلمات و عبارات هر دوره الزاماً با دوره‌های دیگر یکسان نیست. برای

مثال، در دوره پیش از تاریخ، خداشناسی به مفهوم بت پرستی یا پرستش مظاهر طبیعی و فوق طبیعی است، در حالی که از زمان زرتشت به بعد رنگ دیگری به خود می‌گیرد که ماورای طبیعی و نزدیک به عقاید انتزاعی کنونی است، و از دوره اسلامی به پرستش خدای یگانه تبدیل می‌شود. مثال دیگر، علم آموزی، پیشه و هنر، و التفات به مظاهر و منابع طبیعی است که اگرچه در تمام ادوار مورد تأکید بوده، اما محتوای آن بسیار متفاوت بوده و مثلاً مظاهر طبیعی از دوره اسلامی به بعد به عنوان و نشانی عبرت آموز هشدار دهنده انسان به خداشناسی نیز مطرح بوده، در صورتی که پیش از آنان طبیعت چنین مفهومی نداشته است.

۴- و بالاخره بین ارزش‌های تربیتی ادوار مختلف از لحاظ عنوان یا موضوع، و ادامه آن از یک دوره به دوره یا دوره‌های دیگر، تفاوت‌های چشمگیری ملاحظه می‌شود. ●



### ● یادداشتها و منابع:

- ۱- نظریه اینکه هر یک از سازمان‌های مختلف نظیر سازمان صدا و سیما و مراکز تولید مطبوعات به طریق خاص خود در انتقال میراث فرهنگی دخالت دارند، پیشنهاد می‌شود دربارهٔ هر کدام تحقیق جداگانه‌ای انجام شود.
- ۲- فردلوانز، رفتار سازمانی، ترجمه غلامعلی سرمد (در دست انتشار)
- ۳- جوزف اس. راسک، رولندال. وارن. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی، ترجمه احمد کریمی، بهروزبوی چاپ سوم، تهران، کتابخانه فرودین، ۱۳۶۹، ص ۱۰
- ۴- نقل از تقریرات دکتر غلامحسین صدیقی درس «رابطه تربیت و تعلیم با تحولات اجتماعی» در سال تحصیلی ۵۵-۵۴ در دورهٔ دکتری علوم تربیتی دانشگاه تهران که با اجازهٔ استاد ضبط کرده بودم.
- ۵- آگ برن و نسم کف. زمینهٔ جامعه‌شناسی، ترجمه ا.ج. آریانبور، تهران، کتابفروشی دهخدا، چاپ دوم، ۱۳۴۵، ص ۱۲۳
- ۶- ژان استونزل، روان شناسی اجتماعی. ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ص ۷۰
- ۷- محمد قطب، روش تربیتی اسلام. ترجمه محمد مهدی جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۵۳، ص ۱۱
- ۸- سوره جمعه، آیه ۲. هوالذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم ویمعلمهم الکتاب والحکمه وان کانوا من قبل لغی ضلالین.
- ۹- أطلب العلم من المهد إلى المهد (حدیث نبوی)
- ۱۰- محمد فاضل الجمالی. فلسفهٔ تربیتی اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۲۵۳۵، ص ۶۹
- ۱۱ و ۱۳۱۲- بی‌تردید می‌توان این مثال و مثالهای مشابه را از چند زاویه بررسی کرد: هم اهمیت و نقش معلم والدین، و هم تأثیر همکاری و خدمت به خلق. در بررسی گسترده‌ای که مقالة حاضر بر مبنای آن تدوین شده، مثالهایی از این قبیل از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است.
- ۱۴- ل. سی. جسی. کرانباخ. روان شناسی تربیتی، ترجمه مسعود رضوی، تهران، دانشسرای عالی، ۱۳۴۶، ص ۶۲